

## Investigating the Mystery of Symbolic Images of Nature in the Poems of Contemporary Iranian Islamic Poets

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

#### Authors

Leila Kobari Ghotbi<sup>1</sup>  
Mohammad Shahbadizadeh<sup>2\*</sup>  
Javad Mehraban<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Leila Kobari Ghotbi, Mohammad shahbadizadeh, Javad Mehraban, Investigating the Mystery of Symbolic Images of Nature in the Poems of Contemporary Iranian Islamic Poets, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020;4(3):178-185.

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email:

Mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

#### Article History

Received: 2020/08/29

Accepted: 2020/11/12

### ABSTRACT

**Purpose:** The characteristic of symbols and codes is that they have changed in the course of time and history, they have undergone semantic peeling, and they present their artistic-literary function according to the social conditions of each period. Meanwhile, the symbols and codes emanating from nature have been used the most in the poems of contemporary poets due to their essential and lasting elements.

**Materials and Methods:** Based on this, in the present research, we have evaluated the mystery emanating from nature in the works of prominent contemporary poets of Iran with a descriptive-analytical method.

**Findings:** The results of this research show that the symbolic and cryptographic tendencies in the field of contemporary literature, in addition to the political and social situation and the caution and fear of media censorship, and stylistic transformation, are the result of precision and efforts to enrich the artistic essence - ambiguity - and also the company Giving the reader in the matter of reading and literary creation is for more enjoyment of the work.

**Conclusion:** In the meantime, the poets who had greater intellectual independence and innovative ability, while taking care of the classic identity of the symbols, saved them from vulgarity and everyday life and presented new readings of these symbols in a new intellectual and artistic structure. They have given the codes arising from nature.

**Keywords:** Literature, Mystery, Contemporary Poetry, Symbol

## بررسی رموزارگی تصاویر نمادین طبیعت در اشعار

### شاعران معاصر ایرانی اسلامی

#### لیلا کباری قطبی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

#### محمد شاه بدیع زاده<sup>۲\*</sup>

استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

#### جواد مهربان قزلحصار<sup>۳</sup>

استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

#### چکیده

**هدف:** ویژگی نماد و رمز این است که در مسیر زمان و تاریخ تغییر کرده، دچار پوست‌اندازی معنایی شده و متناسب با اوضاع اجتماعی هر دوره، کارکرد هنری - ادبی خویش را ارائه نمایند. در این میان نمادها و رمزهای منبعث از طبیعت به دلیل برخورداری از عناصر جوهری و ماندگار، بیش‌ترین کاربرد را در اشعار شاعران معاصر داشته است.

**مواد و روش‌ها:** بر این اساس در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی رموزارگی منبعث از طبیعت در آثار شاعران مطرح معاصر ایران پرداخته‌ایم.

**یافته‌ها:** نتایج این تحقیق بیانگر آن است گرایش‌های سمبولیک و رموزاره در حوزه ادبیات معاصر، علاوه بر اوضاع سیاسی و اجتماعی و احتیاط و ترس از سانسورهای رسانه‌ای، و دگرگونی سبکی، ماحصل دقت و تلاش برای غنای جوهر هنری - ابهام - و همچنین شرکت دادن خواننده در امر خوانش و آفرینش ادبی، جهت لذت بیشتر از اثر می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** در این میان، شاعرانی که از استقلال فکری و توانایی ابتکار بیشتری برخوردار بوده‌اند، ضمن مراقبت از هویت کلاسیک نمادها، آنها را از ابتذال و روزمرگی نجات داده و با ارائه در ساختار فکری و هنری جدید، قرائت‌های تازه‌ای از این نمادها و رمزهای برخاسته از طبیعت به دست داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، رمز، شعر معاصر، نماد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۲

\*نویسنده مسئول: Mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

#### مقدمه

شعر، کنش شاعر است از طریق ابزار تخیلی. این ابزارها دستمایه‌هایی هستند که شاعر آنها را بازآفرینی می‌کند؛ پس در واقع، همان تخیل، کنش و عمل شاعر است، زیرا به قول نور تروپ فرای، شاعر آنها را «برای ابراز این همانی میان ذهن بشری و جهان خارج به کار می‌گیرد». انسان از نظر روانی به‌طور طبیعی به اموری گرایش دارد که طبع خود را با آنها موافق و آنها را با خود سازگار می‌بیند. این عمل به‌طور ناخودآگاه در زبان انسان نیز بروز می‌کند. واژه‌هایی که انسان به کار می‌گیرد - به‌ویژه اگر شاعر باشد - به دقت نشان‌دهنده روحيات و تمایلات اوست (۱).

به عبارت دیگر، شاعر جهان خارج را به طریقی برای خود ذهنی و درونی می‌کند؛ گزینش عناصر از جهان خارج، بی‌شبهه نشانگر آن چیزهایی است که با طبع انسان شاعر سازگار است و در این میان، بهره‌گیری از نمادهای طبیعت در شعر، از زیباترین تجلی‌گاه‌های این نگاه سستی‌شناسانه انسان به جهان پیرامون است. در این میان، نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد آن است علی‌رغم آنکه نماد و نمادهای طبیعی در اشعار پیشینیان رواج داشته و کم یا بیش در شعر شاعران معاصر نیز یکی از آرایه‌های مهم شعری محسوب می‌شود، گرایش شاعران معاصر به طبیعت و دیدگاه آنان نسبت به طبیعت، با دیدگاه پیشینیان متفاوت است. در دیدگاه گذشتگان توصیف و تصویرسازی از طبیعت برای لذت بیش از حد یا در نهایت توصیف زیبایی‌های قراردادی طبیعت است. منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی و امثال آنها نیز با طبیعت همراه‌اند، آن را وصف می‌کنند؛ لکن هدفشان این است تا شنونده یا خواننده را در اعجاب هنری توأم با لذت قرار دهند، طبیعت از دید اینان زیبایی مطلق است، زشتی در آن نمی‌بینند و همه‌شان توصیف به کمال این زیبایی‌ها برای جلب توجه‌ممدوح است. مثلاً فرخی در توصیف‌ها و تصویرهای متعددی که از باغ ارائه کرده، تمام توان خود را برای ارائه وصفی هنرمندانه و زیبا به کار می‌گیرد و به نظر می‌رسد اندیشه‌ای جز این را نمی‌تواند تصور کند. اما شاعران معاصر، از طبیعت نه با هدف صرف توصیف، که به عنوان چاشنی مناسبی برای تصویرسازی و انتقال محتوی و پیام شاعرانه بهره می‌جویند.

با توجه به اهمیت این مسأله در تحقیق حاضر، ضمن معرفی مختصری از مفهوم نماد و رمز و کاربرد آن در ادبیات، به ارزیابی و تبیین نمادها و رمزهای برخاسته از طبیعت در شعر شاعران منتخب معاصر پرداخته و نوع و شیوه به‌کارگیری این رمزها و همین‌طور تعابیر و تفاسیر منبعث از آنها را تبیین می‌نماییم.

#### پیشینه پژوهش

در زمینه تصاویر شعری به‌طور عام و تصاویر شعر معاصر به‌طور خاص، پژوهش‌هایی صورت گرفته است و در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود؛ اما گونه‌ای از تقسیم‌بندی تصاویر شعر معاصر که در پژوهش حاضر آمده است؛ در نوع خود مسبوق به سابقه‌ای نیست. تألیفات و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع به شرح زیر است:

(۱۴) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل درونمایه‌های اشعار حمید مصدق، به تحلیل و بررسی اشعار حمید مصدق از زاویه عشق و نوستالژی و طبیعت‌گرایی پرداخته است. حسام‌پور و طالب‌زاده (۱۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل گونه‌های ادب غنایی در شعر هوشنگ ابتهاج، به بررسی گونه‌های ادبی و چگونگی کاربرد آن‌ها در شعر معاصر با تأکید بر اشعار هوشنگ ابتهاج پرداختند. محمدی و کولیوند (۱۶) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل و بررسی سمبل‌های اجتماعی در سروده‌های امیر هوشنگ ابتهاج (سایه)، به بررسی سمبل که یکی از ابزار تصویرآفرینی می باشد، در آثار هوشنگ ابتهاج پرداختند.

#### مواد و روش‌ها

از آنجا که نوع پژوهش نظری است؛ اسناد، متون ادبی، مقالات و پژوهش‌های همسو با موضوع مورد مطالعه، با محوریت خلق تصویر در شعر شاعران امروز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. بسیاری از اطلاعات مربوط به پژوهش، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری و پس از بررسی آثار مرتبط، مستقیم و غیرمستقیم، در راستای موضوع پژوهش، فیش‌برداری و دسته‌بندی خواهد شد. در نهایت داده‌ها بر اساس سؤالات و فرضیه‌های رساله، تحلیل و بررسی خواهد شد.

#### تعریف واژه نماد

سمبل را در فارسی، رمز، مظهر و نماد گویند. کلمه سمبل، از نظر لغوی مترادفاتی چون «Signal, Sign» و «Sympton» دارد که به معنی نشانه، علامت و نشان به کار می‌رود. «وقتی اندیشه‌ای نتواند موضوعی را سامان دهد، یا انسان تنها آن را پیش‌بینی یا احساس کند نماد اصیل آشکار می‌شود.»

نماد یک اصطلاح است، اصطلاحی که بار معنایی آن بسیار فراتر از معنای قراردادی و روزمره‌اش است. بیانی نمادین، ترجمان کوشش انسان است برای پیدا کردن و مادیت بخشیدن به سرنوشتی که از ورای تاریکی‌هایی که احاطه‌اش کرده است، می‌گریزد. حقایق و وقایع بی‌شماری که در ماورای درک و فهم بشر قرار دارند او را وادار ساخته تا برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان و فهم و توصیف کلامی آن‌ها مشکل بوده است، نظام‌هایی از علامت‌های مختلف بیافریند تا درک آن بیان‌نشدنی‌ها، آسان‌تر گردد. نمادگرایی در شعر معاصر ایران، از حدود سال (۱۳۱۶)، با شعر «ققنوس» نیما آغاز شد. او شاعر رمانتیک و متأثر از اواسط قرن نوزدهم فرانسه بود، ولی از سال‌های (۱۳۱۶) با آفرینش «ققنوس»، «پادشاه فتح»، «مرغ آمین»، «کار شب‌پا»، به قلمرو شعر سمبولیک پا گذاشت و از رمانتیسم به سمبولیسم گرایید. سمبولیسم ایرانی معاصر، گرایش شدیدی به وقایع اجتماعی دارد و به تعهد و التزام اجتماعی-سیاسی پایبند است، به طوری که در شعر نمادین معاصر، آلام مردم در شعر شاعران، منعکس می‌شود. اغلب نمادهای شعر معاصر، شخصی و ابداع خود شاعرند.

کارکرد رمزگونه طبیعت در اشعار شاعران معاصر

کتاب بلاغت تصویر از دکتر محمود فتوحی رودمعجنی که در این نوع، اولین و اصلی‌ترین منبع موجود است و اساس این مقاله نیز تقسیم‌بندی همین کتاب بوده است. کتاب صور خیال در شعر فارسی از محمدرضا شفیعی کدکنی. کتاب طلا در مس از رضا براهنی (دو کتاب اخیر با وجود اینکه مباحثی درباره تصویر در شعر دارند به معرفی و ارزیابی تصاویر از منظری که در پژوهش حاضر پرداخته شده است نپرداخته‌اند). دلبری و مهری (۲) در مقاله‌ای با عنوان سطوح بلاغی خیال در تصاویر شعر معاصر به بررسی روند تصویرسازی‌های ادبی در قلمرو تخیلات شاعرانه پرداختند. در این مقاله کیفیت طبقاتی تصاویر شعری معاصر از نظرگاه خیال و سطوح ادراکی شاعران، گذر از لایه‌های سطحی و میانی تخیل آن‌ها به لایه‌های درونی و عمیق و نمایش توانایی‌های شاعران در عرصه خیال‌پردازی و هنر تصویرگری آن‌ها بررسی شده است. رضایی (۳) در مقاله‌ای با عنوان مقایسه و بررسی تصویر و توصیف در شعر معاصر و کلاسیک فارسی، با تأکید بر تصاویر اشعار نیما، به بررسی خلق تصویر در شعر نو و مقایسه تصویر در شعر کلاسیک و شعر نو پرداخته است. طاهری و رحمانی (۴) در مقاله‌ای با عنوان تصویر شعر سپید، به بررسی چگونگی خلق تصویر در شعر سپید که زیرمجموعه‌ای از شعر نو می باشد، پرداختند. این مقاله بیان می‌کند که تصویرسازی بعد از دهه هفتاد بیشتر حسی و انتزاعی شده و از عناصر غیرطبیعی ساخته می‌شود. جعفری قریه و کشاورز (۵) در مقاله‌ای با عنوان انواع تصویر در شعرک‌ها، به بررسی انواع تصویر در اشعار کوتاه معاصر پرداخته و با تکیه بر دو ویژگی اصلی شعر کوتاه یعنی ایجاز و تصویرگرایی، انواع تصویر را از لحاظ نوع کارکرد، ساختار و سطح اندیشگی بررسی کردند. محمدنژاد عالی‌زمینی (۶) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر تصاویر شعری شاعران کهن فارسی در تصویرسازی شعر نیما، به بررسی ابعاد مختلف این وام‌گیری تصویری پرداخته است. پورزینی و خاکپور (۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی سبک‌شناسانه قصاید مهرداد اوستا، به بررسی سبک شعری و ویژگی‌های قصاید مهرداد اوستا پرداختند. پورصادقی و بذرافکن (۸) در مقاله‌ای با عنوان تصویر سایه در غزل هوشنگ ابتهاج، به بررسی تصویر سایه که تخلص هوشنگ ابتهاج می باشد، از لحاظ تصویرآفرینی پرداختند. دهقانی (۹) در پایان‌نامه خود با عنوان سبک‌شناسی آثار مهرداد اوستا با تکیه بر قصاید او به بررسی آثار مهرداد اوستا پرداخت. خواجه (۱۰) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی صور خیال در اشعار مهرداد اوستا به بررسی صور خیال در اشعار مهرداد اوستا پرداخت. مالکی (۱۱) در پایان‌نامه خود با عنوان مقایسه شیوه کاربرد تلمیح در اشعار عاشورایی پنج شاعر معاصر (سعید بیابانکی، سید حسن حسینی، علیرضا قزوه، علی معلم دامغانی، علی موسوی گرمارودی)، به بررسی شیوه کاربرد تلمیح در اشعار عاشورایی شاعران معاصر پرداخت. کاس‌پور توچایی (۱۲) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل سبکی اشعار حمید مصدق، به تحلیل و بررسی اشعار حمید مصدق پرداخت. نظری و کولیوند (۱۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نوستالژی در شعر حمید مصدق به تحلیل و بررسی آثار حمید مصدق و همچنین بررسی چگونگی خلق تصاویری از بهشت و دوران زندگی آدم در بهشت پرداختند. عمونیا سماکوش

آفتاب/ زرین و پرسخاوت و سرسبز و دلگشا/ بگذار چون زمین/  
من بگذرانم شب طوفان گرفته را/ آنگه به نوش خند گهربار آفتاب/  
پیش تو گسترم همه گنج نهفته را ...

میل به رمزگرایی در همین دوران و در طی این جریان پدیدار شد و کم و بیش در اشعار این شاعر می‌توان نمادهایی را یافت. مناظر طبیعت برای این شاعر تنها یک تداعی ساده نیست؛ زیرا گذشته از توصیف، مخاطب را به بیانی فکری و نمادین هدایت می‌کند. البته باید در مورد ابتهاج این نکته را در نظر داشت که گستردگی‌ای که ابتهاج در اشعارش به نماد می‌بخشد، بی‌تردید زیاد نیست: شب، باران، جنگل، تاریکی و... این واژگان یا نماد هستند و یا توانایی تبدیل شدن به نماد را در ذهن مخاطب دارند که در نشان دادن غنای اجتماعی اشعار سهم به سزایی دارند و غالباً از افراط و ابتذال دورند.

خاک نیز که از عناصر اساسی زمین است، از نمادهای پرکاربرد در شعر شاعران معاصر است. خاک به همان نسبت که نماد آفرینش و خلقت انسان به شمار می‌رود، همان‌گونه نیز، نماد گور و مرگ او محسوب می‌شود. از خاک با صفت تیرگی یاد می‌شود برخلاف آب که با صفت روشنی همراه است. خاک مانند آب، آتش و باد، یکی از چهار عناصر اربعه است که در روایات ایرانی از آن‌ها تحت عنوان، امهات سفلی (مادران فرودین) یاد شده است، که از آمیزش چهار عنصر (مادران) با هفت آسمان (پدران) هستی ترکیب و آفرینش یافته است و در پی آن، موالید ثلاث (جماد، نبات، حیوان) به وجود آمده‌اند و گاه نماد تواضع و فروتنی است (۱۸)

مرغان پر گشوده طوفان که روز مرگ/ دریا و موج و صخره  
برایشان گریستند/ می‌گفتی، ای عزیز! «سترون شده‌ست خاک»/  
اینک بین برابر چشم تو چيستند:/ هر صبح و شب به غارت طوفان  
روند و باز،/ باز، آخرین شقایقان این باغ نیستند. (۱۹).

خاک: نماد زایش و پرورش.

در اینجا به مفهوم عقیم شدن خاک است که گویی دیگر هیچ بذری را در خود، پرورش نمی‌دهد و هیچ جوانی را نمی‌پرورد و خاصیت پروردگی خود را از دست داده است. شهیدانی که تا پای جان، دلاوری و شجاعت کردند، حتی دریا و صخره و موج‌ها بر ایشان گریستند، این مبارزان نستوه در رهایی وطن از چنگال ظلم و استبداد زمان، که تا پای جان، از خود و خون خود گذشتند در رسیدن به این آرمان طلایی و هر چند که دلاوران، جان نثار کردند، اما زمین از وجودشان خالی نمی‌شود و مبارزان دیگری راه آنان را ادامه خواهند داد و پرچم نبرد و ستیز و استبداد و خودکامگی، هیچ‌گاه بر زمین نمی‌ماند. غزلی که در یاد شهیدان وطن و آنان که تن به تیرگی استبداد ندادند و چون آذرخش، اندیشه‌ها را روشنی بخشیدند: با آرمان‌های خود زیستند و در این راه به شهادت رسیدند و مثل مرغ طوفان، ترسی از حوادث زمانه و تبعات آن نداشتند. شعری است از دل نمادهای اجتماعی-سیاسی، با تأثر شاعرانه.

همچنین خاک در سعید بیابانکی نماد، سرشک، نماد فراگیری و وسعت، گستردگی و پروردگی، زایش و پرورش، ناپاکی جسم خاکی در برابر روح پاک، نماد آفرینش و زایش، پرورش و تواضع آمده است.

نگرش جامع هستی‌شناسانه از همان آغاز پایه‌های تفکر خود را بر پایه زیبایی‌شناسانه عناصر آشکار طبیعت قرار داده بود. بدین معنی که شاعران و نویسندگان نخستین تعابیر تشبیه خود را بر میزان آنچه دیدنی بود پایه می‌نهادند. خورشید و ماه و پروین هر یک به لحاظ روشنائی، تابناکی در ظلمات و گستردگی شعاع تابش مطلع نظر اینان بوده‌اند. اگر جهان خانه‌ای است، ساخته شده از آجر طبیعت بی‌شک نور و چراغ آن از چلچراغ پروین و تابش مهتاب در ظلمات و درخشندگی و مهم‌تر از آن آشکارگری خورشید در این خانه است. با ظهور جریان شعر معاصر، تصاویر شعری از تنگنای تجارب ذهنی صرف رها شد و به سمت گستره ادراکات عینی و ملموس رفت و شاعر کوشید تا صور ذهنی خود را از دنیای ملموس و تجربی خود به دست آورد. شعر سپید، ترانه و غزل نو نیز از این ویژگی برکنار نماندند و طبیعتاً در پی این کار، صور خیال نیز به تازگی و تنوع گرایید. اینک نمونه‌های به‌کاررفته از این نمادها در شعر شاعران امروز، که از عناصر طبیعی و پدیده‌های محسوس طبیعت گرفته شده است:

زمین و خاک

زمین به عنوان گهواره بشریت، از اساسی‌ترین نمادهای مطرح در شعر شاعران اجتماعی معاصر است. شاعران از این نماد به عنوان رمزی برای مادر، زایش، زندگی و... بهره می‌جویند. در شعر معاصر فارسی، شعر زمین از ابتهاج در زمره زیباترین اشعار وی است که با خلق تصاویری نو به همراه مخاطب دادن زمین، پیامی رسا و زیبا را نه تنها به مخاطبان شعر فارسی، که به همه جهانیان مخابره می‌کند: ای مادر ای زمین/ امروز این منم که ستایشگر توأم/ از توست ریشه و رگ و خون و خروش من/ فرزند حق‌گزار تو و شکر توأم/ بس روزگار گشت و بهار و خزان گذشت/ تو ماندی و گشادگی بی‌کرانه‌ات/ طوفان نوح هم نتوانست شعله کشت/ از آتش گداخته جاودانه‌ات/ هر پهلوان به خاک رسیده ست گرده‌اش/ غیر از تو ای زمین که در این صحنه ستیز/ ماندی به جای خویش/ پیوسته زورمند و گران‌سنگ و استوار/ فرزند بدسگالی اگر چون حرامیان/ بی‌حرمت تو تاخت/ هرگز تهی نشد دلت از مهر مادری/ با جمله ناسپاسی فرزند شناخت/ آری زمین ستایش و تکریم را سزااست/ از اوست هر چه هست در این پهن بارگاه (۱۷).

شاعر اگرچه از اسطوره‌ها و نمادهای کلاسیک در شعر زمین بهره می‌جوید، اما محتوا و شکل چینش این عناصر به‌گونه‌ای است که آنچه مخاطب می‌شنود برای او تازگی دارد. در حقیقت شاعر به جریان آشنایی‌زدایی در شعر زمین، به واسطه تلاقی و تعامل توأمان عناصر واژگانی و مضمونی با بهره‌گیری از تکنیک گوناگونی روایت و گسست زمان و حتی مکان در این شعر دست یافته است:

پروردگاران دامن و گهواره وی‌اند/ سهراب پهلوان و سلیمان پادشاه/  
ای بس که تازیانه خونین برق و باد/ پیچیده در دناک/ بر گرده زمین/  
ای بس که سیل کف به لب آورده عبوس/ جوشیده سهمناک بر این  
خاک سهمگین/ زان گونه مرگبار که پنداشتی دروغ/ دیگر زمین  
همیشه تهی مانده از حیات/ اما زمین همیشه همان‌گونه سخت  
پشت/ بیرون کشیده تن/ از زیر هر بلا/ و آغوش باز کرده به لبخند

مرغابیان، سیاه پوشند). شاخه‌های درختان در باد به حرکت و رقص درآمده‌اند و با شادی به استقبال بهار می‌روند.  
حمید مصدق نیز در تلاشی همه‌گیر برای وارد کردن تصاویر طبیعت به مرکز تجربه‌های شخصی خود و پیوند زدن آن با شعر این‌گونه می‌سراید:

گاهی چو آب هستم و گاهی چو آتشم  
از این دوگانگی‌ست که بس درد می‌کشم...  
با پای خویش ز آتش عشق تو بگذرم  
خویش‌آزمای خویشم و روح سیاوشم (۲۲)

عناصر خیال در اشعار مصدق، اغلب از طبیعت گرفته شده‌اند و عبارت‌اند از: آب، آتش، دریا، گرداب، سمنند، هاله، باد، کلاغان سیاه، آسمان، خورشید، صبح بهاری، عقاب، آهن، زهر، شیر، آتشفشان، توفان، سیل، موج و صبح که همگی متعلق به طبیعت هستند. عناصر طبیعی در شعر او غالباً نوعی سمبل اجتماعی هستند. در واقع عناصر خیال او دارای سه جنبه نمادگرایی، طبیعت‌گرایی و اسطوره‌گرایی است که همگی دارای درون‌مایه اجتماعی هستند. همچون همه اعمال انسان، واژه‌ها و عناصر بیان هر شاعر نیز- که عمل او هستند- زاده تمایل اویند.

#### جنگل

در مناطق گوناگون، جنگل بکر، یک حرم واقعی بوده است. در عهد باستان، نماد زندگی بود. نشانه ربط و پیوند، واسط میان زمین و آسمان (جایی که ریشه‌های درخت در زمین فرو می‌رود و گنبد آسمان به نوک درخت وصل یا با آن مماس می‌شود).  
همیشه دریا دریاست. همیشه دریا طوفان دارد. بگو! برای چه خاموشی! بگو جوان بودند، جوانه‌های برومند جنگل خاموش (۲۳).

جنگل خاموش: ایران.

ایرانی که در بحبوحه ظلم و ستم است اما جوانانش ساکت و خاموش‌اند و شاعر می‌گوید: ویژگی دریا، جوش و خروش و عظمت همیشگی آن است و خطاب به جوانان برومند وطنش می‌گوید: شما باید همچون دریا، پر خروش باشید تا جوانه‌های این جنگل خاموش را، رو به رشد و سر به فلک کشیدن آن گیاه و درخت برسانید.  
هوشنگ ابتهاج نیز در اشعار خود از جنگل و عناصر آن به عنوان نمادهای کلیدی در تصویرسازی اشعار اجتماعی و حتی سیاسی استفاده می‌کند. در بیت زیر جنگل، سرزمینی است که گرفتار ظلم و ستم و خفقان شده است و سروهایش که نماد آزاد خواهان هستند، در این محیط غم زده، نابود می‌شوند:

ای جنگل ای انبوه اندوهان دیرین  
آن‌جا چه آمد بر سر آن سرو آزاد؟ (۱۷)

اشعار اجتماعی سایه با بهره‌گیری از این نمادها و تصاویر حاصل از طبیعت، حکایت درد و رنج انسان‌هایی است که از مصیبت استبداد و خفقان به ستوه آمده و سرنوشتشان از سرنوشت دیگران جدا نیست. سرنوشت وطن سرنوشت شاعر است و شاعر درد او را درد خویش می‌داند. از این رو هر زمانی که غم به سراغ وطن می‌آید

میان خاک سر از آسمان برآوردیم  
چقدر قمری بی‌آشیان درآوردیم  
و جب و جب تن این خاک مرده را کندیم  
چقدر خاطره نیمه جان در آوردیم  
چقدر چفیه و پوتین و مهر انگشتر  
چقدر آیین و شمعدان درآوردیم  
لبان سوخته‌ات را شبانه از دل خاک  
درست موسم خرما پزان در آوردیم  
به زیر خاک به خاکستری رضا بودیم  
عجیب بود که آتشفشان درآوردیم (۲۰)

تصاویر این شعر در موضوع تفحص برای یافتن پیکره‌های شهدای مفقودالثر است و واژه خاک که از واژه‌های مؤثر در خلق تصاویر این شعر است، به جای ارجاع با ضمیر، ۶ بار تکرار شده است. که در ارتباط با موضوع شعر، آشنایی‌زدایی معنایی و عاطفی از طریق تغییر ساختار نحوی ایجاد می‌کند. خاک در فرهنگ نمادها زمین مادر است. اوست که در خود تن و جان حیوان و نبات را می‌پرورد و از همین روست که آنچه در دامن و به تعبیری زهدان خاک قرار می‌گیرد فرمان‌پذیر زمین مادر خواهند بود. زیرا در عناصر اربعه خاک (زمین مادر) از محوریت اقتداری برخوردار است.

#### آب

آب یکی از چهار عنصر اصلی است که نزد ایرانیان مقدس و ایزدی به شمار می‌رفته است. معنی نمادین آب در سه مضمون: چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز حیات دوباره خلاصه می‌شود. نماد مرگ و زندگی.  
دورها: دور و نزدیک‌ها: گم/ ابرها: پاره‌پاره، رها، محو/ آب سرگرم آیین داری (شفی ۲۱).

آب: نماد صفا و روشنی.

بخش عمده‌ای از ذهنیت م. سرشک به طبیعت‌گرایی یا حتی طبیعت‌ستایی او مربوط می‌شود. مفاهیم مختلف را در طبیعت و جلوه‌های آن به کار می‌گیرد و برای بیان مفاهیم بلندی چون آزادی، از ابزار و عناصر طبیعت استفاده می‌کند. آب در اینجا همچون انسانی است که کار آیین‌داری را انجام می‌دهد. توصیفی از سال است که همگان در بحبوحه دلاوری‌های مردان بزرگ و مبارز و همیشه در صحنه وطن و حوادث پرآشوب زمان، به سر می‌برند. باغ و دشت (ایران) در آغاز بهار آزادی است و شاعر تصویری از جلوه‌های مختلف طبیعت: آب، باران، جوی، ابر، باد، باغ، مرغابیان و... به تصویر می‌کشد و با نگاهی به انقلاب که در مرحله پیروزی است، همگان، حتی تمام عناصر و جلوه‌های طبیعت در تکاپوی رسیدن به بهار آزادی و طبیعت‌اند و اکنون آب باصفا و روشن و زلال، وظیفه آیین‌داری را بر عهده گرفته است تا طبیعت زیبا خود را در آبی آب، بنگرد. شاعر به توصیف همه اجزای طبیعت و همه افراد وطن می‌پردازد که چگونه همگان، متحد برای آغاز این آزادی و در تکاپو هستند. آب‌های زلال در همه جوی‌ها روان‌اند و خزه‌ها در آن روئیده‌اند و مرغابیان در حال فرار (ظالمان حکومت که همچون

سکوت برای آنان هرگز روا نیست و باید همچون دریا با عظمت و پرخروش باشند. در شعر معاصر، دریا، نماد اجتماعی است و مَهر آزادی خواهان و مبارزین و آزادی است و نیز نماد مبارز همیشه پرخروش و در صحنه، انسان‌های غیور و وطن‌دوست و نماد خود شاعر (آیین، ۲۶۵) آمده است.

شن بود و باد، نخل شقایق تبار عشق

تندیس واژگون‌شده‌ای در غبار بود (۲۰)

در بیت فوق از بیابانکی ترکیب «نخل شقایق تبار عشق» استعاره مصرّحه از اباعبدالله (ع) است که به تندیس مانند شده، سپس این واژه با قید وصف «واژگون‌شده» مقید شده که بر مفهوم شعر افزوده است. «تندیس واژگون‌شده» از تصاویر بدیعی است که شاعر به کار برده است. ضمن آنکه آمدن اسب بی‌سوار امام حسین (ع) را در غم و غباری عجیب با زین واژگونش به تصویر کشیده است.

هوشنگ ابتهاج نیز در اشعار خود در صدد پی‌ریزی تصاویری است برخاسته از عناصر و پدیده‌های موجود در طبیعت:

نسیم زلف تو تا نگذرد به گلشن دل / کجا نهال امیدم به بار می‌آید (۱۶)

ابتهاج نیز سعی دارد از عناصر و اشیای پیرامونی در جهت خلق تصاویر نوی شاعرانه بهره جوید. در این گونه تصویرسازی‌ها، ابتهاج همه متعلقات جسمی و ذهنی خود از قبیل: شعر، خوی و خصلت، افکار و اندیشه و اعضای بدن را به عناصر گوناگونی تشبیه کرده که اغلب با تفاخر همراه است. مشبه‌به‌های به کار رفته در این نوع تشبیه شامل جانداران، عناصر طبیعی، اشیاء و ... است.

ز سیل اشک من ای خواب من ندیده هنوز

چه بستری تو که دریا کنار را مانی (۱۶)

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره کردیم از نظر منتقدین جدید، سعی شاعران نوگرا در خلق تصاویر بکر و تازه، تا حلول شاعر در اشیاء، پیش رفته است. برای نمونه حمید مصدّق برای این کار، دامنه تخیلات ذهن خود را بیش از پیش گسترده و توانسته میان خود و عناصر بی‌جان، شباهت‌هایی را پیدا کرده و آنها را به تصویر بکشد، در واقع به تصویر کشیدن این گونه تشبیهات، بیانگر ذهن پویای شاعر در توجّه به تخیل است:

باغ ز گل تهی شده، بلبل زار را بگو:

از چه ز بانگ زاغ‌ها، گوش تو کر نمی‌شود

ای تو بهار و باغ من، چشم من و چراغ من

بی‌همگان به سر شود، بی‌تو به سر نمی‌شود (۲۲)

در نگاهی دیگر مشاهده می‌کنیم برای اینکه تصاویر نو، امکان بروز در شعر معاصر را داشته و شعر شاعر تجربه لحظه‌هایش باشد، شاعران معاصر تلاش کردند گستره ناآزموده‌ها را بیاموزند، بنابراین لازم دیدند در تصویر، به عنوان یکی از عناصر سازنده شعر، تحوّل ایجاد نمایند تا بتوانند با رهایی از دام تصاویر محدود کلاسیک و با توجّه به توالی ابیات و یا سطرها... طیف وسیعی از مضامین نو و تصاویر تازه را وارد قالب‌های شعری خویش نمایند و به هدف یکی ساختن شعر با هستی و زندگی روز، جامه عمل بپوشاند. همانند آنچه در اشعار سعید بیابانکی می‌بینیم:

«ای شعر؛ مگر امشب، تیغ تو به کار آید

شاعر نیز با او هم ناله می‌شود و اشک و خشم را درهم می‌آمیزد. به عنوان نمونه، در «مرثیه جنگل» می‌سراید:

ای جنگل ای شب! ای بی‌ستاره! / خورشید تاریک! / اشک سیاه کهکشانی‌های گسسته! / آینه دیرینه زنگار بسته / ... ای جنگل ای غم! / جنگی هزار آوای باران‌های ماتم! / در سایه افکند کدامین نارین ریخت / خون از گلوی مرغ عاشق؟.

پدیده‌های دیگر طبیعی

مثل وادی و صحرا، کوه، سرو و ... برای خلق تصاویر شاعرانه‌اش بهره می‌گیرد:

ای رفته از این وادی، با شوکت بهرامی

باز آی که این صحرا، صد گور دگر زاده‌ست (۲۰)

اوستا نیز از عناصر موجود در طبیعت همچون دریا و توفان در اشعار خویش بهره می‌جوید:

... به دریای خون بادبان‌ها گشوده

به توفان درون هر دو لنگر گرفته (۲۴)

این قصیده در ستایش امام خمینی و نهضت اوست و شاعر در آن با خلق تصاویر از طریق بهره‌گیری از برخی از عناصر طبیعی، علاوه بر ستودن شخصیت جهانی و تأثیرگذار امام خمینی، از رشادت و دلیری مردان و زنانی یاد می‌کند که با ایمان به آیین نهضت مردمی با پارسایی و عصمت به نبرد اهرمن می‌روند.

دریا و اقیانوس نماد آب‌های آغازین، آشفته‌گی اولیه، بی‌شکلی، هستی مادی، حرکت بی‌پایان، غیرقابل درک، مرگ و تولّد دوباره و ابدیت و مادر کبیر است. نماد وجود واحد است. دریا نماد پویایی زندگی است و نماد وضعیتی زودگذر میان امکانات نامعلوم و واقعیات معلوم است. هم تصویر زندگی است هم مرگ. وضعیتی چندوجهی که وضعیتی نامطمئن، مُردک و بدون تصمیم را نشان می‌دهد و ممکن است به خوب یا بد منجر شود.

دریا، گنجینه گوهر و مروارید (به سبب وجود صدف) است. دریا همواره در جوش و خروش است (۲۴).

شفیعی کدکنی با بهره‌گیری از این نماد می‌سراید:

گهی در گونه ابر و گهی در گونه باران / همه از تو به تو پویند جو باران که دریایی.

دریا: قدرت، عظمت، گنجینه گوهر و بی‌نیازی و تشخیص.

شاعر در توصیف و تمجید از مقام شامخ فردوسی می‌گوید: تو گنجینه گوهر معرفت و دانایی هستی و همگان به تو نیازمندند و همه آن جویبارهای علم و معرفت، به تو می‌پیوندند و تو قدرتمند و با عظمتی و بقیه شاعران شاخه‌های پیوسته به دریای وجود تو هستند. وی در دفتر آینه می‌سراید:

همیشه دریا دریاست / همیشه دریا طوفان دارد / بگو! برای چه خاموشی! / بگو: جوان بودند، / جوانه‌های برومند جنگل خاموش.

دریا: نماد عظمت، قدرت، حکومت و آزادی.

شاعر در این شعر (در آن سوی شب و روز)، معتقد است که همه مردم در بیداری و آگاهی یکدیگر، مسئولیت دارند و خاموشی و

کار دل ما را ساخت، دردی و غمی کاری» (۲۰)

را با پیوند این عناصر مختلف به هم، ایجاد می‌کنند و با شیوایی، به رشته تصویر می‌کشانند.

شفیعی کدکنی نیز می‌سراید:

می‌آید، می‌آید.../ از پای و بویه باز نمی‌ماند./ آه،/ بگذار من چو قطره بارانی باشم،/ در این کویر،/ که خاک را به مقدم او مژده می‌دهد؛/ یا حنجره چکاوک خردی که/ ماه دی از پونه بهار سخن می‌گوید

کویر: ایران، حکومت ظالمانه و مستبد زمان و فضای تاریک و وحشتناک.

توصیف بهاری است که آرام‌آرام می‌آید، بهار طبیعت و آزادی. بهاری که نیاز است کسی مژده فرارسیدنش را به همگان و به همه دشت‌ها و کویرها بدهد. شاعر می‌خواهد این پیک و قاصد شادی باشد و پیام فرارسیدن بهار را، به نیکی به کویرهای سرزمینش همچون قطره بارانی شود و این پیام را برساند و می‌داند که خاک این کویر، منتظر آمدن یک قطره باران و روزنه رحمت الهی است (ایران کویر گونه و آغشته به سیاهی و ظلم اهریمن زمان، منتظر است).

#### نتیجه‌گیری

نمادها و رمزهای برخاسته از طبیعت در شعر شاعران اجتماعی معاصر در خدمت واژه، مضمون، معنا و اجتماع است. این نمادها و رمزها در شعر شاعران معاصر، اغلب خاستگاه‌های ملی-میهنی، مذهبی و طبیعی دارند که برجسته‌ترین آن‌ها، طبیعی است. تمثیلی بودن نمادها به شکلی نمادین، از شاخصه‌های شعری این شاعران است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد شاعران اجتماعی معاصر تنها به توصیف مبادرت نمی‌کنند، بلکه توصیف طبیعت را با حالات و افکار انسان آمیخته، سپس در جلوه‌های سمبل بروز می‌دهند. بررسی چرخه رمزوارگی در اشعار شاعران این پژوهش نشان می‌دهد این شاعران به سطح مسائل نمی‌اندیشند، بلکه بیشتر سعی در پیدایی عمق اشیا و پدیده‌های طبیعی دارند. نکته بعدی اینکه معرفت روحی و فکری آن از پدیده‌های پیرامونی و طبیعی در چرخه رمزپردازی، علاوه بر بیرونی، درونی نیز هست. بنابراین، دیدن این پدیده‌ها برای هر دیدگانی قابل دیدن است، اما درک عمق این رمزها و نشان دادن هنری آنان به مخاطب امری است که این شاعران به خوبی از عهده آن بر آمده‌اند. این شاعران آرمان‌خواه، در پشت نقاب نمادهايشان به دنبال جهانی آرمانی هستند، نه همچون مدینه فاضله افلاطون، انتزاعی، بلکه جهانی اهورایی را می‌طلبند که از تاریکی استبداد، به درآمده باشند و پیغامشان را همچون پیامبران به همه افراد دوران‌شان می‌رسانند و همه عناصر طبیعت از آب، باد، خاک، آتش، جنگل، گل، موج، صخره، همه و همه را در این امر خطیر به یاری می‌طلبند تا صدایشان را به گوش مردان تاریخ برسانند و آنان را به حمیت وطن خواهی برانگیزانند. این چنین زبان و بیانی، حاکی از هوش و نبوغ شاعران معاصر و پیوند ذهن و زبان تاریخی و اجتماعی و طبیعت در یک نگاه آنان است که احساس و حرف‌های درونی‌شان

#### References

1. Abu Mahboob, A. (2008). *Doors and Winds (Life and Poetry of Hamid Mossadegh)*, Tehran, 3rd Edition. (Translated in Persian).
2. Delbari, H., Mehri, F. (2015). Rhetorical levels of imagination in images of contemporary poetry, *Literary Technologies*, No. 1, pp. 86-73. (Translated in Persian)
3. Rezaei, A. (2003). Comparison and study of images and descriptions in contemporary and classical Persian poetry with emphasis on images of Nima's poems, *Literary Journal of Qom University of Persian Language and Literature*. (Translated in Persian)
4. Taheri, H., Rahmani, M. (2011). Image of White Poetry, *Quarterly Contemporary Persian Literature*, Institute of Humanities and Cultural Studies, No. 2, pp. 57-88. (Translated in Persian)
5. Jafari Qariyeh Ali, H., Keshavarz, M. (2016). A Study of the Types of Images in Poems, *Linguistic-Rhetorical Studies*, No. 13, pp. 53-56. (Translated in Persian)
6. Mohammadnezhad Aali Zamini, Y. (2013). The Influence of Poetic Images of Classical Persian Poets on Nima's Imagery, *Contemporary Persian Literature*, No. 2, pp. 115-155. (Translated in Persian)
7. Poorzeini, Kh., Khakpour, M. (2016). Stylistic study of Mehrdad Avesta's poems, *Persian Stylistics and Poetry (Bahar Adab)*, No. 4, pp. 90-69. (Translated in Persian)
8. PoorSadeghi, N., Bazrafkan, O. (2016). Shadow Image in Houshang Ebtehaj Ghazal, *Conference on Contemporary Persian Literature*, Iranshahr, Velayat University. (Translated in Persian)
9. Deghani, sh. (2006). Stylistics of Mehrdad Avesta's works, Master's thesis,

19. Shafiei Kadkani, M. (1997). *A Mirror for Sounds*, Tehran: Sokhan Publishing. (Translated in Persian)
20. Biabanki, S. (2003). *Neither bergamot nor pomegranate: excerpts from poems 76 to 181*, Isfahan: Naghsh Mana. (Translated in Persian)
21. Shafiei Kadkani, M. (1997). *The second millennium of mountain deer*, Tehran: Sokhan Publishing. (Translated in Persian)
22. Mosaddegh, H. (2004). *Diwan*, Tehran, 3rd Edition. (Translated in Persian)
23. Shafiei Kadkani, M. (1979). *Images of Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah Publications. (Translated in Persian)
24. Avesta, M. (1990). *Imam of Other Epics*, Tehran, Islamic Propaganda Organization Art Center, 3rd Edition. (Translated in Persian)
- Shamisa, S. (1998). *Farhang-e Asharat*, Ferdowsi Publications, 1st Edition.
- Allameh Tabatabai University. (Translated in Persian)
10. Khajeh, F. (2013). *A Study of Imagination in the Poems of Mehrdad Avesta*, M.Sc. Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University, Kazeroun. (Translated in Persian)
11. Maleki, F. (2013). *Comparison of the method of using allusions in Ashura poems of five contemporary poets (Saeed Biabanki, Seyed Hassan Hosseini, Alireza Qazveh, Ali Moallem Damghani, Ali Mousavi Garmaroodi)*, M.Sc. Thesis, Faculty of Literature, Zabol University. (Translated in Persian)
12. Kaspour Tochaie, K. (2010). *Stylistic analysis of Hamid Mossadegh's poems*, Master's thesis, University of Guilan. (Translated in Persian)
13. Nazari, N., Kolivand, F. (2010). *A Study of Nostalgia in Hamid Mossadegh's Poetry*, *Persian Language and Literature*, No. 46. (Translated in Persian)
14. Amounia Samakoush, R. (2012). *Analysis of Hamid Mossadegh's poem themes*, M.Sc. Thesis, Faculty of Literature, Mazandaran University. (Translated in Persian)
15. Hesampour, S., Talebzadeh, N. (2017). *Study and analysis of lyrical literary genres in Houshang Ebtehaj's poetry*, *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts*, No. 33, pp. 13-56. (Translated in Persian)
16. Ebtehaj, H. (2007). *Mirror in Mirror (13th edition)*, Tehran: Cheshmeh. (Translated in Persian)
17. Ebtehaj, H. (1981). *Memorial to the blood of the cypress*, Tehran: Toos. (Translated in Persian)
18. Zomorodi, H. (2003). *Comparative Critique of Iranian Religions and Myths*, Zavar Publishing, 1st Edition. (Translated in Persian)